



هانری کرین هم مثل هایدگر دنبال زیست جهان معنوی بود

بسته بندی تاریخی دید. به عبارتی او تاریختی مطلق را نمی پذیرفت و بر روی اندیشه امامت هم از این جهت تاکید می کرد امامت جایی است که به روی انسان باز می شود.

قائم‌نی نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه گفت: هایدگر فقط می خواست مسائل را حل کند، چیزی که کرین هم دنبال آن بود. کرین هم مانند هایدگر دنبال زیست جهان معنوی بود.

به گزارش خبرنگار مهر، اولین روز از همایش هانری کرین عصر روز گذشته با حضور اساتید برجسته فلسفه در سالن دکتر شهیدی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

علیرضا قائم‌نی نیا در این همایش گفت: به نظر من پیش از هر چیزی لازم است که به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که معنا و مفهوم کرین برای ما چیست؟ و مهمتر آنکه باید او را تحلیل کنیم و بدانیم که برای ما چه پیامدی دارد. کرین شخصی است که بر شانه هایدگر ایستاده و با علامه طباطبایی دوستی نزدیک داشته است به همین جهت برای ما بسیار اهمیت دارد. من موافق نیستم که او را به یک فیلسوف تطبیقی کاهش دهیم.

وی افزود: هانری کرین پاسخ سئوال های خود را در فلسفه اسلامی می یافت. به بیان دیگر او مسائل خود را در هایدگر و فلسفه غرب نتوانست حل کند به همین خاطر سراغ ایران آمد. ما باید کرین را پدیدارشناسی کنیم. او صرفاً دنبال یک کار آکادمی نبود و یک فیلسوف استثنا بود و این همان چیزی است که فلسفه امروز ما به آن احتیاج دارد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: کرین از روش هایدگر در «هستی و زمان» استفاده می کند و سراغ فلسفه اسلامی می رود. به عبارتی او با دیدی که از هایدگر گرفت فلسفه را از آسمان هفتم به زمین کشید. کرین ظاهراً فلسفه اسلامی را می گیرد اما با ظاهر و آرا فلسفه کاری ندارد. او بیشتر دنبال بن و بنیاد است. به همین دلیل هم می توان گفت کرین یک فیلسوف اسلامی است چون از ظاهر جریان فلسفه اسلامی گذر کرده است البته این سخنان من به معنای طرفداری از کرین و ستایش بی پایان او نیست و نقدهایی هم به آراء او وارد است اما کرین کسی است که از ظاهر جریان فلسفی به باطن گذر می کند، فلسفه ای که او دنبال آن است فلسفه شیعی است نه تطبیقی.

وی اضافه کرد: هایدگر دنبال کار آکادمیک نبود و فقط می خواست مسائل را حل کند، چیزی که کرین هم دنبال آن بود. کرین هم مانند هایدگر دنبال زیست جهان معنوی بود. برای او منش علامه طباطبایی بسیار مهم و از نظرش ساحت غیب در علامه باز شده بود. تاریختی هم که کرین نفی می کرد به این معنا بود که انسان را نمی توان یک بسته بندی تاریخی دید. به عبارتی او تاریختی مطلق را نمی پذیرفت و بر روی اندیشه امامت هم از این جهت تاکید می کرد امامت جایی است که به روی انسان باز می شود. به عقیده او انسان را نمی توان تماماً به تاریخ کاهش داد. کرین تا حد زیادی از مباحث هستی و زمان متأثر است.

وی اضافه کرد: به عقیده کرین شرق چیزی دارد که غرب ندارد و رخ دادن حضور وجود در فلسفه های شرقی حل شده است البته او نسبت به همه فلسفه های شرقی هم خوشبین نیست لذا علیرغم پدیده جهانی شدن معتقد است که شرق حقایقی دارد که هنوز دست نخورده و این نگاه قدرت خواهد گرفت. مفهوم امامت در بحث دین شناسی کرین بسیار مفهوم کلیدی است. او تا آنجایی که توانسته تلاش خود را کرده ولی جلو نرفته است. به عبارتی هنوز در فلسفه شیعی خودش را آن گونه که باید خودش را نشان نداده است به همین دلیل می توان گفت تحلیل کرین از امامت کفایت نمی کند. ما باید تمام اضلاع تفکر شیعی را لحاظ کنیم تا به زیست جهان شیعه برسیم.

قائم‌نی نیا در پایان گفت: اگر کرین می گفت وجودی که دنبالش هستیم در مقام ارتباط وجودی با امام گشوده می شود بحثش هایدگری می شد اما این حرف را نزده به همین دلیل هم می توان گفت او تا جایی باید هایدگری می شده، نشده و به اعماق تفکر شیعی نرسیده است. با این حال من معتقدم کرین هنوز آنطور که باید شناخته نشده است و شخصیت او نه فقط برای حوزوی ها بلکه برای هایدگری ها هم آموزنده است.